

آسیب‌شناسی تأثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۸)
با رویکردی تطبیقی به کتاب‌های درسی ایران پیش از انقلاب

منصوره کریمی قه‌می*

چکیده

انقلاب‌ها، جنبش‌های اجتماعی، جنگ، نحوه‌ی تراکم یا توزیع قدرت در دست احزاب و جریان‌های سیاسی از مصادیق بارز تغییرات سیاسی به شمار می‌آیند که به دگرگونی مبانی ارزشی و نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌انجامند. بیشترین بازتاب این دگرگونی در نظام آموزشی کشور انعکاس می‌یابد؛ زیرا حاکمیت، برای تبیین مبانی ارزشی و ایدئولوژیکی خود، می‌کوشد آن را از طریق مواد آموزشی به ویژه کتاب‌های درسی به کودکان و نوجوانان منتقل نماید. از میان کتاب‌های درسی، یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که منعکس‌کننده‌ی تحولات جامعه و سیاست‌گذاری‌های حاکمیت‌هاست، کتاب‌های تاریخ است.

این مقاله با هدف آسیب‌شناسی تأثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران، با رویکردی تطبیقی به بررسی کتاب‌های تاریخ قبل و بعد از انقلاب پرداخته است. دغدغه‌ی اصلی آن، پاسخ به این سؤال است که تحولات سیاسی، تاریخ‌نگاری کتاب‌های درسی را دچار چه آسیب‌هایی نموده است؟ این بررسی نشان می‌دهد کتاب‌های درسی تاریخ ایران، تحت تأثیر سه تحول مهم انقلاب اسلامی، جنگ عراق علیه ایران و جابه‌جایی قدرت در میان احزاب، دستخوش تغییر شده است. از جمله‌ی این تغییرات، می‌توان به غلبه‌ی نگرش سیاسی و ایدئولوژیکی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر، کتمان یا تحریف وقایع تاریخی در جهت تبیین دیدگاه‌های سیاسی و ارزشی جریان سیاسی حاکم، نگرش منفی نسبت به برخی شخصیت‌ها و حاکمیت‌ها، داور‌های یک سویه درباره‌ی رخداد‌های تاریخی و فقدان نگاهی جامع در بررسی حوادث تاریخی، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ معاصر ایران، کتاب‌های درسی، تحولات سیاسی، انقلاب اسلامی، جنگ عراق علیه ایران.

مقدمه

منظور از تحولات سیاسی، تغییر ساختار سیاسی جامعه اعم از حکومت، نقش‌ها و مناسبات سیاسی و نحوه‌ی توزیع قدرت است که در مدت زمان نسبتاً بلند، در جامعه رخ داده و به دگرگونی نظام اجتماعی و ارزشی جامعه انجامیده است.^۱ انقلاب‌ها، جنبش‌های اجتماعی، جنگ، نحوه‌ی تراکم یا توزیع قدرت در دست احزاب سیاسی، از مصادیق بارز تغییرات سیاسی هر کشور

* دانشجوی دکتری رشته‌ی تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء(س) Karimighahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۸/۱۶

^۱ گی‌روشه، ۱۳۶۶. تغییرات اجتماعی، ترجمه‌ی منصور و ثوقی، تهران: نشرنی، صص ۲۰-۲۱، ۱۶۵.

به شمار می‌آیند، که به دگرگونی مبانی ارزشی و نظام اجتماعی آن کشورها می‌انجامد. بیشترین بازتاب این دگرگونی، در نظام آموزشی کشور انعکاس می‌یابد؛ زیرا حاکمیت برای تبیین مبانی ارزشی و ایدئولوژیکی^۱ خود، می‌کوشد آن را از طریق مواد آموزشی به ویژه کتاب‌های درسی به کودکان و نوجوانان منتقل نماید.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، مهم‌ترین تحول سیاسی‌ای بود که موجب دگرگونی ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران شد. جهت تبیین و ترویج این ارزش‌ها، انقلاب فرهنگی در سطح کشور به ویژه دانشگاه‌ها و مدارس، ضرورت یافت. از آنجایی که پیش از انقلاب، کتاب‌های تاریخ در جهت تبیین مبانی ایدئولوژیکی حکومت پهلوی به رشته‌ی تحریر درآمده بود، یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که لازم بود بلافاصله مورد بازنگری جدی قرار گیرد، کتاب‌های تاریخ مقاطع راهنمایی و متوسطه بود، تا علاوه بر آنکه آثار ارزش‌های رژیم شاهی از آنها زدوده شود، با نگاهی نو و در جهت اهداف حکومت جمهوری اسلامی به رشته‌ی تحریر درآیند. از دیگر عوامل مهم تأثیرگذار بر محتوا و حتی شکل کتب تاریخی، جنگ عراق علیه ایران و دست به دست شدن قدرت در میان احزاب و جریان‌های سیاسی بود؛ به گونه‌ای که بازتاب این وقایع، در این کتاب‌ها قابل مشاهده است.

این مقاله با هدف آسیب‌شناسی تأثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران، و با رویکردی تطبیقی به بررسی کتاب‌های تاریخ معاصر قبل و بعد از انقلاب پرداخته است. دغدغه‌ی اصلی آن، پاسخ به این سؤال است که تحولات سیاسی، تاریخ‌نگاری کتاب‌های درسی را دچار چه آسیب‌هایی نموده است؟

تاکنون بررسی جامعی، درباره‌ی کتاب‌های درسی تاریخ معاصر صورت نگرفته است. محدود آثار نوشته شده نیز، تنها به بررسی یک کتاب یا بخش‌هایی از یک کتاب پرداخته‌اند. این آثار با رویکردی توصیفی نگاشته شده‌اند و درصدد تبیین عوامل مؤثر در تاریخ‌نگاری کتاب‌های درسی تاریخ معاصر و یا آسیب‌شناسی این کتاب‌ها برنیامده‌اند. از جمله‌ی این آثار، مقاله‌ی آقای رنجبریان است که انقلاب مشروطه را در کتاب‌های سال ۱۳۶۲، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار داده است.^۲ همچنین پایان‌نامه‌ی آقای مقصودی که به تحلیل دیدگاه‌های استادان و دبیران تاریخ درباره‌ی کتاب تاریخ معاصر سال ۱۳۸۳ پرداخته است.^۳

^۱ ایدئولوژی واژه‌ای است که برای توصیف عقاید، آرمان‌ها، ارزش‌ها، جهان‌نگری‌ها، ادیان، فلسفه‌های سیاسی، تمایلات و توجیهات اخلاقی به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایدئولوژی را تحریف یا واگونگی واقعیت نامیده‌اند و در مقابل آگاهی راستین به کار می‌برند. ایدئولوژی، نوعی سبک اندیشه برای القای فکر است و سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و سازمان‌یافته است که موقعیت یک گروه یا جامعه را توجیه، تفسیر و اثبات می‌کند و حافظ منافع حاکمیت می‌باشد (همان، صص ۹۹-۱۰۰).

^۲ مهدی رنجبریان ۱۳۸۱. «مقایسه‌ی سه کتاب درسی تاریخ معاصر ایران (دوره‌ی دبیرستان)»، *آموزه*، شماره‌ی ۱، صص ۸۹-۱۰۸.

^۳ مجتبی مقصودی، و محمدآرند ۱۳۸۴. *ارزشیابی نظری کتاب تاریخ معاصر ایران، پایه‌ی سوم دوره‌ی متوسطه چاپ ۱۳۸۳*، بی‌جا: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.

۱: تأثیر انقلاب اسلامی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران

(۱۳۵۸ - ۱۳۸۸)

انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین تحول سیاسی‌ای بود که در سال‌های پایانی دهه‌ی پنجاه، موجب دگرگونی ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران شد. شاخصه‌های ایدئولوژیکی این انقلاب، حاکمیت الله، حکومت ولایت فقیه، اسلام محوری و استعمارستیزی بود. جهت تبیین، نهادینه شدن و ترویج این ارزش‌ها که در تقابل با مبانی ایدئولوژیکی حکومت پهلوی بود، کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه نیز همسو با نظام آموزشی تغییر کرد. بررسی کتاب‌های درسی تاریخ پیش از انقلاب نشان می‌دهد، محتوای این کتاب‌ها براساس مبانی ایدئولوژیکی حکومت پهلوی و در جهت تبیین ارزش‌هایی چون شاهپرستی، میهن‌پرستی، باستان‌گرایی و ایران‌گرایی، نوشته شده است. کتاب تاریخ معاصر که دوره‌ی صفویه تا روزگار پهلوی را در بر می‌گرفت، علاوه بر ارزش‌های پیش گفته، غرب‌گرایی، سکولاریزم و جدایی دین از سیاست را نیز ترویج می‌کرد. این نگرش، بعد از انقلاب دچار تحول شد.

۱-۱: تأثیر انقلاب بر انعکاس نقش شاهان، علما و جنبش‌های مردمی در کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران

از جمله تغییرات محتوایی که به دلیل پیروزی انقلاب و دگرگونی نظام ارزشی جامعه در کتاب‌های درسی ایجاد شد، نگرش منفی به نظام سلطنت و بدبینی نسبت به شاهان است. در حالی که کتاب‌های پیش از انقلاب، از نظام شاهنشاهی و شاه‌دوستی حکایت‌های بسیاری بازگو می‌کرد و شاهان مقتدری چون شاه اسماعیل و رضاشاه را ستایش می‌نمود، در کتاب‌های تاریخ پس از انقلاب، شاهان جایگاهی ندارند. در کتاب تاریخ سال ۵۷، از صفویه به نیکی و به عنوان یکی از فرازهای تاریخ ایران یاد می‌شود و خدمات آنان مورد تحسین قرار می‌گیرد. پهلوی‌ها به دلیل آنکه شرایط انقراض قاجاریه را فراهم کردند، تمایلی نداشتند که از شاهان سلسله‌ی قاجار یاد شود. بنابراین در کتاب‌های تاریخ پیش از انقلاب، بررسی دوره‌ی قاجارها توأم با انتقاد از آنان است.^۱

در کتاب‌های تاریخ پس از انقلاب، شاهان چه صفوی باشند و چه قاجار، جایگاهی ندارند. گناه همه‌ی عقب‌ماندگی‌های ایران بر گردن آنان است، و اصلاحات اندکشان هم به چشم نمی‌آید. در این کتاب‌ها، اصلاحات شاه عباس یکم و اقدامات نادر یا به اجمال ذکر می‌شود و یا مانند کتاب سال ۶۰ اصلاً ذکر نمی‌شود. قاجارها پادشاهانی عشرت‌طلب و غافل بودند که کاری جز پرداختن به امور حرم‌سرا، رفتن به سفرهای فرنگ، انعقاد قراردادهای ننگین و از دست دادن شهرهای ایران نداشتند. پادشاهانی که جز نشیب، چیزی برای ایران به ارمغان نیاوردند: «دوره‌ی ۱۵۰ ساله‌ی سلطنت قاجاریان برای ایران به جز محنت و بلاهای بزرگ، فشارهای سیاسی و اقتصادی دولت‌های معظم و قحطی و مرض و شورش به بار نیاورد». ^۲ تنها خدمت بزرگ قاجارها به ایران، ایجاد وحدت سیاسی و براندازی ملوک‌الطوایفی و رعایت ظاهری تشیع بود.^۳

کتاب‌های تاریخ معاصر دوره‌ی پهلوی با هدف ترویج شاه‌پرستی، غرب‌گرایی، سکولاریزم و جدایی دین از سیاست، به رشته‌ی تحریر درآمده بود. از این‌رو در این کتاب‌ها، شواهدی از تأثیرات سوء دخالت علما در سیاست ذکر می‌شود. از جمله

^۱ محمدجواد مشکور و دیگران ۲۵۳۷. تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان)، بی‌جا: بی‌نا، ص ۷-۵

^۲ غلامعلی حداد عادل و دیگران ۱۳۵۹. تاریخ ایران (سال سوم)، بی‌جا: بی‌نا، صص ۸-۴.

^۳ همان.

یکی از علل سقوط صفویه را دخالت روحانیون در امور کشور ذکر کرده‌اند.^۱ در این کتاب‌ها، نه خبری از قیام‌های ضد استعماری و ضد استبدادی مردم است و نه چندان بر نقش علما تکیه می‌شود.^۲

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در کتاب‌های بعد از انقلاب ایجاد شد، ذکر و یاد رهبران دینی و عالمانی است که رهبری جنبش‌های ضد استعماری را بر عهده داشتند. از این‌رو نام میرزا حسن شیرازی، سید محمد طباطبایی، سید عبدالله مازندرانی، ملا علی کنی، آیت الله طالقانی و امام خمینی جزو جدا ناشدنی این کتاب‌ها شده و رد پای علما در اکثر حوادث دیده می‌شود. در برخی از این کتاب‌ها، تنها بر نقش علما تأکید شده و سایر اقشار به فراموشی سپرده می‌شوند. چنان که کتاب سال ۶۰ در بررسی وقایع تاریخی مانند واقعه‌ی رژی، انقلاب مشروطه، نهضت پانزده خرداد و انقلاب اسلامی، تنها به نقش علما توجه شده و از تجار، روشنفکران، و سایر گروه‌ها و اقشار مردم، یاد چندانی نشده است. این کتاب، با بزرگداشت نقش مرجعیت در تحولات ایران، به تأثیر «مبارزه‌ی شدید و پیگیر مرحوم وحید بهبهانی با امواج فکری انحرافی زمان، و ایجاد تحرک و تشکل نوین در حوزه‌های علوم دینی، و طرح جدی مسئله‌ی مرجعیت تقلید و نیابت امام عصر (عج)، پس از سقوط دهشت‌بار رژیم صفوی»، اشاره می‌کند.^۳ اوج این نگاه در کتاب آزمایشی سال ۸۰ دیده می‌شود. در این کتاب، ریشه‌ی تحریم تنباکو به روشنگری‌های عالمانی چون شیخ فضل الله، میرزای شیرازی و آیت الله آشتیانی نسبت داده شده است.^۴

در کتاب‌های تاریخ پیش از انقلاب، جایی برای مبارزانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا کوچک‌خان جنگلی، محمدتقی‌خان پسیان، رئیس علی دلواری، ثقة‌الاسلام تبریزی و شیخ محمد خیابانی نیست. با پیروزی انقلاب و تغییر کتاب‌های درسی این شخصیت‌ها نام‌های آشنای کتاب تاریخ معاصر شدند. در کتاب سال ۶۲ سید جمال، شخصیت مبارزی است که نه تنها اهداف مقدسی در جهت اتحاد دنیای اسلام و مبارزه علیه استعمار دارد، بلکه متوجه مقام عظمای ولایت نیز بوده و در مقابل دسایس استبداد و استعمار به مقام مرجعیت استعانت می‌جسته است.^۵ در این کتاب، یک درس کامل به میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل اختصاص یافته و اقدامات او - که می‌رفت به تجزیه‌ی گیلان و نفوذ نیروهای بلشویکی شوروی در آنجا بینجامد - با تفصیل فراوان ذکر شده است.

۲-۱: تأثیر انقلاب بر انعکاس وقایع انقلاب مشروطه در کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران

از جمله وقایعی که با تفاوت‌های زیادی در کتاب‌های قبل و بعد از انقلاب نقل شده است، انقلاب مشروطه‌ی ایران است. در کتاب سال ۵۷ از نقش مردم ایران، خاصه طبقات روشنفکر، علما، وعاظ، آزادی‌خواهان و انجمن‌های مخفی در انقلاب یاد می‌کند و از میان علمای تهران، بر نقش سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی تأکید دارد.^۶

^۱ تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان)، ص ۴۹

^۲ همان، صص ۹۳-۹۲

^۳ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی ۱۳۶۰. تاریخ ایران، (سال سوم)، بی‌جا: بی‌نا، ص ۱۲.

^۴ موسی نجفی و دیگران ۱۳۸۰. تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه)، کلیه رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، چاپ اول

آزمایشی، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، صص ۹۴-۱۱۰.

^۵ گروه تاریخ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب گفتاری ۱۳۶۲. تاریخ معاصر ایران، (سال سوم متوسطه عمومی علوم تجربی - ریاضی و فیزیک اقتصاد

اجتماعی، فرهنگ و ادب)، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های گفتاری ایران، ص ۳۹.

^۶ تاریخ ایران، (سال سوم دبیرستان)، ص ۱۰۳.

این کتاب، علل انقلاب مشروطه را رفتار ظالمانه‌ی پادشاهان قاجار، تعدی و تجاوز شاهزادگان و وابستگان دربار، بی‌رحمی و ستمگری حکام در تهران و ایالات، مداخلات ناروای دیپلمات‌های روس و انگلیس و آشنایی طبقات روشنفکر ایرانی با مظاهر تمدن جدید و وقوف بر ترقی و پیشرفت ملل مغرب‌زمین بر می‌شمرد. و صدور دستخط مشروطه را به ملایمت طبع و آزادگی مظفرالدین شاه نسبت می‌دهد.^۱

در این کتاب، به اقدامات شیخ فضل‌الله و نظریه‌ی معروف مشروطه‌ی مشروعه‌ی وی پرداخته نمی‌شود، بلکه از او به عنوان یکی از مستبدینی که به دار مجازات آویخته شد، یاد می‌گردد.^۲

در کتاب‌های درسی پس از انقلاب، نقش شیخ فضل‌الله برجسته شده و نقش سایر علما کمرنگ‌تر از وی دیده می‌شود. در کتاب سال ۵۹ بدون اشاره به نظریه‌ی مشروطه‌ی مشروعه‌ی شیخ فضل‌الله نوری، او را مدافع سرسخت اسلام و اسلامی بودن نهضت معرفی می‌کند.^۳

کتاب سال ۶۰ با تحلیل‌های یک‌سویه، به بررسی انقلاب مشروطه پرداخته و بدون ذکر از سایر علما و آزادی‌خواهان، خواست تأسیس عدالت‌خانه را، تنها به شیخ فضل‌الله نسبت می‌دهد. مؤلفان این کتاب، تحت تأثیر فضای فکری سال ۵۹ و ۶۰ و با ادبیات رایج آن سال‌ها به بررسی انقلاب مشروطه پرداخته و هر واقعه‌ای را به استعمار و نقشه‌های شیطانی آنها نسبت می‌دهند: «طرح شعار وارداتی "مشروطه‌ی کنستی‌توسیون"، یعنی همان لیبرال دموکراسی غرب امروز، در برابر شعار صریح و روشن و همه‌کس فهم عدالت‌خانه‌ی شیخ فضل‌الله نوری در رابطه با همین نقشه‌ی شیطانی بود».^۴ این کتاب که در روزهای پرتلاطم آغاز انقلاب و اختلاف نظر جریان‌های سیاسی کشور، بر سر تدوین قانون اساسی نوشته شده، مجال است برای اسلام‌گرایان که مخالفان خود را با مشروطه‌طلبان عصر مشروطه مقایسه کنند. با همین نگرش، به جریان‌شناسی مشروطه دست زده و از سه گروه مشروطه‌خواه، مشروطه‌باز و مستبدین سخن می‌گوید.^۵ در این کتاب از علمایی چون طباطبایی، بهبهانی و علمای نجف یا یاد نمی‌شود و یا اگر هم ذکر می‌آید، در شمار مشروطه‌خواهان پاکدل و خیرخواه، اما غافل است که به هشدارهای «پیر دلسوخته و دردمند و استعمارشناس و استعمارستیزی همچون حاج شیخ فضل‌الله نوری» توجه نکردند.^۶ در این کتاب، زمینه‌های انقلاب مشروطه، نقش روشنفکران، تجار و علما بررسی نمی‌شود.

کتاب سال ۶۲ با واقع‌بینی بیشتری به تحلیل انقلاب مشروطه پرداخته است. این کتاب، ضمن بررسی زمینه‌های فکری و اقتصادی مشروطه، نقش گروه‌های مختلف روشنفکران، روزنامه‌نگاران، تجار، علما و وعاظ را در کنار هم به بحث گذاشته، و واکنش علما را قبل و بعد از استبداد صغیر مقایسه و ارزیابی نموده است. در عین حال، نقش شیخ فضل‌الله و نظریه‌ی مشروطه‌ی مشروعه‌ی وی برجسته‌تر شده است.^۷

۱. همان، صص ۱۰۳-۱۰۲.

۲. همان، صص ۱۰۴-۱۰۳.

۳. تاریخ ایران (سال سوم)، صص ۲۶-۳۱.

۴. تاریخ ایران، (سال سوم)، ص ۶.

۵. همانجا.

۶. همانجا.

۷. تاریخ معاصر ایران، (سال سوم متوسطه عمومی علوم تجربی - ریاضی و فیزیک اقتصاد اجتماعی، فرهنگ و ادب)، صص ۴۰-۸۴.

انقلاب مشروطه‌ی ایران در کتاب سال ۱۳۷۸ همان تحلیل کتاب سال ۶۲ و دسته‌بندی زمینه‌های مشروطه به دو دسته‌ی فکری و اقتصادی است. تأکید این کتاب بر آن است که پیدایش اندیشه‌های نو درباره‌ی حکومت را به روشنفکرانی چون میرزا ملکم‌خان، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله و شیخ هادی نجم‌آبادی، همچنین دولتمردان و بازرگانان و اخباری که از اروپا می‌رسید، نسبت دهد. در این کتاب، از مرحوم نایینی و کتاب «تنبیه الامه» نامی برده نشده، و نقش آخوند خراسانی در جریان مشروطه بسیار کم‌رنگ جلوه داده شده است. جریان اعدام شیخ فضل الله، همچنین نظریه‌ی مشروطه‌ی مشروعه‌ی وی حذف شده است. تنها اشاره به شیخ، ضمن اشاره به اختلاف میان مشروطه‌خواهان بر سر تدوین قانون اساسی است.^۱

در کتاب آزمایشی سال ۱۳۸۰ زمینه‌های انقلاب مشروطه به گونه‌ای دیگر دسته‌بندی شده است. اندیشه‌ی حاکم بر این کتاب این است که در حرکت‌های اجتماعی، علما بر اساس تعالیم دینی پیشگام بوده‌اند و مردم نیز در حمایت از ایشان به صحنه می‌آمدند. از نظر مؤلفان این کتاب، ریشه‌های نهضت مشروطه، کاملاً داخلی است و باید در فرهنگ شیعی و اصیل ایرانی جست‌وجو شود.^۲

با مراجعه به اسناد این دوره و مقایسه‌ی آن با متن کتاب‌های درسی بعد از انقلاب، با دو روایت متفاوت از شیخ فضل الله و دیگر علمای عصر مشروطه مواجه می‌شویم. در حالی که بنا بر روایت متون تاریخی مشروطه، شیخ فضل الله بعد از مهاجرت کبری و بر اثر فراگیر شدن نهضت به هواداری آن پرداخت، و قبل از آن، طرفدار جدی محمدعلی شاه بود، که در هیچ یک از کتاب‌های درسی به این نکته اشاره نمی‌شود.

۱-۳: تأثیر انقلاب بر انعکاس وقایع دوره‌ی پهلوی در کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران

از دیگر مباحثی که در کتاب‌های تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد، دوره‌ی پنجاه‌ساله‌ی حکومت پهلوی‌ها است. در کتاب سال ۵۷، بیش از ۵۰ صفحه از کتاب به سیاست‌ها و خدمات رضاشاه و پسرش اختصاص یافته است. در این کتاب، تغییر سلطنت را خواست مردم، به ویژه طبقات روشنفکر دانسته و اشاره می‌کند که ملت با قیام عمومی، تفویض مقام سلطنت را به سردار پهلوی خواستار شد و مجلس ملی و سنا آن را به عنوان ماده‌ی قانونی تصویب کردند.^۳ در حالی که کتاب‌های پس از انقلاب، تغییر سلطنت را نتیجه‌ی برنامه‌ریزی انگلستان و تمایل آنان به مداخله‌ی غیرمستقیم در ایران از طریق ایجاد حکومت مقتدر مرکزی دانسته و می‌کوشد با ذکر شواهد، از اقدامات انگلیس در انجام کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و حمایت آنها از سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان پرده بردارد. در کتاب سال ۸۶ این افشای اسرار بیشتر شده و بر نقش ژنرال آبرون ساید، سروینستون چرچیل - وزیر وقت مستعمرات انگلیس -، همچنین اینتلیجنت سرویس - دستگاه جاسوسی

^۱ عمادالدین باقی و دیگران ۱۳۷۸. *تاریخ ایران: ایران در دوران معاصر* (۲)، سال دوم نظام جدید آموزش متوسطه، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، صص ۱۱۹-۱۳۹.

^۲ موسی نجفی و دیگران ۱۳۸۰. *تاریخ معاصر ایران* (سال سوم آموزش متوسطه)، کلبه‌ی رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، چاپ اول آزمایشی، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، صص ۱۱۰-۱۱۶.

^۳ *تاریخ ایران* (سال سوم دبیرستان)، صص ۱۱۹.

انگلستان - و امپراتوری نامرئی خاندان یهودی روچلیدها در ظهور سلسله‌ی پهلوی و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تأکید می‌شود.^۱

از دیگر مطالب مهمی که در کتاب‌های پیش از انقلاب به تفصیل مورد شرح قرار گرفته و در کتاب‌های بعد از انقلاب با نگاهی گذرا و کاملاً متفاوت به آن پرداخته شده است، اصلاحات رضاشاه است. در کتاب سال ۵۷، اصلاحات رضاشاه به اصلاحات اداری، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی، بهداشتی، اقتصادی و بازرگانی تقسیم شده و ذیل هر عنوان به ذکر جزئیات اقدامات وی پرداخته شده است. در این کتاب، توجه رضاشاه به امر تعلیم و سوادآموزی را مهم‌ترین ویژگی او برشمرده،^۲ سپس شرحی از اصلاحات فرهنگی وی به دست داده و تغییر کتاب‌های درسی، ساخت مدارس، اعزام جوانان به خارج برای آموزش فنون و علوم، استخدام معلمان خارجی برای جبران کمبود معلم، تأسیس مؤسسات برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز، تأسیس دانشگاه تهران، مدرسه‌ی عالی حقوق، مدرسه‌ی طب، دانشکده‌ی داروسازی، دانشکده‌ی معقول و منقول، را از جمله‌ی این اصلاحات برمی‌شمرد. این کتاب، از رضاشاه قهرمانی می‌سازد که برای رفاه مردم، با افتخار حاضر به مصالحه با متفقین و کناره‌گیری از سلطنت شد.^۳

در کتاب‌های پس از انقلاب، سخنی از اصلاحات و نقش رضاشاه در گذر ایران از مرحله‌ی سنتی به مدرنیته نیست. از نظر مؤلفان این کتاب‌ها، رضاشاه مهره‌ی دست‌نشانده‌ای بوده که جز اجرای خواست بیگانگان، نقش دیگری بازی نکرده است. این کتاب‌ها مقاومت نکردن ارتش پرآوازه‌ی رضاشاه را به بی‌کفایتی و استبداد شاه و بیگانگی مردم با وی، همچنین خواست انگلیس در براندازی این مهره‌ی دست‌نشانده نسبت داده‌اند. کتاب سال ۵۸ اقدامات فرهنگی رضاشاه را به سخره گرفته و در مقایسه با سرعت کمی و کیفی تعلیم و تربیت در جهان، تحولات آموزش دوران پهلوی را پدیده‌هایی تشریفاتی و نمایشی خوانده است.^۴ در این کتاب، از اقدامات اقتصادی رضاشاه، با عنوان طرح‌های خاص استعماری که شریان‌های اقتصادی مملکت و منابع تولید را خزانه‌ی شخصی شاه کرده و مورد استثمار وی قرار داده بود، یاد می‌شود.^۵

کتاب‌های تاریخ پیش از انقلاب، متحدالشکل کردن لباس را موجب استحکام ملت، رفع اختلافات و آزادی زنان دانسته و هدف از آن را ترقی فکر زنان و تربیت مادرانی دانشمند و افرادی شایسته برای تربیت اجتماعی فرزندان با اخلاق برای کشور برشمرده است. کتاب سال ۵۸، رضاشاه را مجری سیاست بیگانه دانسته و چنین اقداماتی را برای جدا کردن مردم مسلمان وطن از اصل و تبارشان و بیگانگی آنها با ایمان و هویت ملی‌شان ذکر می‌کند.^۶

در کتاب سال ۱۳۷۸، ضمن اشاره به اصلاحات رضاشاه، اقدامات فرهنگی وی، در دو بعد بررسی شده و بخشی از آنها از جمله گسترش مدارس جدید به جای مکتب‌خانه‌ها، تربیت و استخدام معلمان، ایجاد دانشگاه و اعزام افرادی برای تحصیل به

^۱ ولایتی، علی‌اکبر و دیگران ۱۳۸۶. *تاریخ معاصر ایران*، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)،

ویراستار محمدرضا سرشار، چاپ دوم، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ص ۵۹.

^۲ *تاریخ ایران* (سال سوم دبیرستان)، ص ۱۳۶.

^۳ همان، ص ۱۴۰.

^۴ محمدجواد مشکور و دیگران ۱۳۵۸. *تاریخ ایران* (سال سوم دبیرستان)، بی‌جا: بی‌نا، ص ۱۶۳.

^۵ همان، ص ۱۶۱.

^۶ همان، صص ۱۶۳-۱۶۲.

خارج را موجب توسعه‌ی علمی کشور دانسته و برخی دیگر از اقدامات او، مانند تغییر لباس و رفع حجاب زنان را موجب رواج آداب و رسوم غربی در ایران برشمرده است.^۱

در کتاب آزمایشی ۱۳۸۰ اصلاحات رضاشاه مورد اشاره و انتقاد قرار می‌گیرد و بسیاری از آنها از جمله تأسیس نظام پیشاهنگی، تغییر نظام آموزش و پرورش، تقلید ناقص از شیوه‌ی آموزشی فرانسه در مدارس، اعزام محصل به خارج از کشور را سیاست‌هایی در جهت غربی کردن ایران برمی‌شمارد. در این کتاب، هدف رضاشاه را در تأسیس مؤسسه‌ی وعظ و خطابه، مبارزه با مذهب به بهانه‌ی اوهام و خرافه برشمرده و هدف از تأسیس دانشکده‌ی معقول و منقول را مقابله با آموزش‌های دینی حوزه‌ی علمیه و دولتی کردن معارف دینی ذکر می‌کند. این کتاب، اقدامات رضاشاه را مقابله‌ی مستقیم با روحانیت دانسته که از طریق تصرف در منابع مالی مربوط به موقوفات، برگزاری امتحانات و سخت‌گیری برای داوطلبان طلبگی، تخریب مدارس مذهبی، طرح سربازی اجباری برای طلاب، صورت می‌گرفت.^۲

حوادث سلطنت محمدرضاشاه (سال‌های ۵۷- ۱۳۲۰) نیز در کتاب‌های بعد از انقلاب، تحت تأثیر غلبه‌ی دیدگاه سیاسی به صورت گزینشی صورت گرفته است. در این کتاب‌ها حوادث مربوط به انقلاب، مانند نهضت پانزده خرداد، سخنرانی‌های امام، جنایات ساواک در زندانی کردن و شکنجه‌ی مخالفان، سیاست‌های حمایتی آمریکا از شاه، سیاست شاه برای اسلام‌زدایی و تضعیف روحانیت، به تفصیل بیان شده و بیش از یک سوم کتاب را به خود اختصاص داده است. در حالی که دیگر اقدامات اقتصادی و سیاسی محمدرضاشاه مورد بررسی قرار نگرفته و یا با دیدی منفی نقل شده است.

برنامه‌ی عمرانی شاه، انقلاب سفید و نظرخواهی از مردم، در کتاب‌های بعد از انقلاب، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. در حالی که این برنامه، چهار صفحه از کتاب سال ۵۷ را به خود اختصاص داده است.^۳ در کتاب سال ۵۷، ضمن اشاره به ۲۱ اصل این برنامه، به فلسفه و روح آن، اشاره کرده و دلایل اتخاذ چنین سیاستی، به بحث گذاشته می‌شود. همچنین نامه‌های متعدد محمدرضاشاه به هویدا برای فراهم کردن زمینه‌ی اجرای این طرح نقل شده است.^۴ در این کتاب، اصلاحات ارضی، لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید، اقداماتی اصلاحی در جهت اجرای برنامه‌های عمرانی هفت‌ساله‌ی اول و دوم شاه و مکمل انقلاب مشروطه‌ی ایران معرفی شده است.^۵

در کتاب‌های بعد از انقلاب (به جز کتاب‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰)، ذکری از اصول انقلاب شاه و ملت نمی‌شود. تنها به ارائه‌ی شواهدی درباره‌ی ماهیت استعماری و ضد اسلامی این برنامه می‌پردازند. بیشترین توجه کتاب‌های بعد از انقلاب به اصلاحات شاه، در رابطه با انجمن‌های ایالتی و ولایتی و برخی از شروط آن از جمله اعطای حق رأی به زنان، حذف قید اسلام از شرایط

۱. تاریخ ایران: ایران در دوران معاصر (۲)، سال دوم نظام جدید آموزش متوسطه، ص ۱۷۱.

۲. تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، صص ۱۸۲-۱۹۳.

۳. تاریخ ایران، (سال سوم دبیرستان)، صص ۱۷۹-۱۹۵.

۴. همان، ص ۱۸۰.

۵. همان، ص ۱۸۸.

انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و جانشین کردن «کتاب آسمانی» به جای قرآن در مراسم تحلیف انتخاب‌شوندگان است.^۱ در کتاب‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۶، شرط اعطای حق رأی به زنان ذکر نمی‌شود.^۲

اصلاحات ارضی، از دیگرسیاست‌های اقتصادی محمدرضاشاه است که در کتاب سال ۵۷ به تفصیل، به اهمیت و تأثیر انجام چنین طرحی در سرنوشت طبقه‌ی محروم ایران اشاره شده است.^۳ در کتاب‌های بعد از انقلاب، علت انجام چنین اصلاحاتی را خواست آمریکا برای تأمین منافع و اهدافش در ایران و جلوگیری از نفوذ کمونیسم برشمرده و به پیامدهای منفی‌ای چون مهاجرت روستاییان به شهرها، بایر شدن اراضی کشاورزی به دلیل ناتوانایی کشاورزان برای حفر چاه و کشت مکانیزه و واکنش علما اشاره می‌کند.

از دیگر وقایع مهم عصر پهلوی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی به گونه‌ای دیگر در کتاب‌های تاریخ منعکس شده، نهضت ملی شدن نفت است. در کتاب سال ۱۳۵۷ تمایلی به ذکر نقش دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی و مردم در ملی‌کردن نفت دیده نمی‌شود، لذا به اختصار از آن می‌گذرد. در این کتاب، علت قیام سی تیر ۱۳۳۱ را به اقدامات غیر قانونی مصدق و دخالت حزب توده نسبت داده، و بدون اشاره به مداخله‌ی آمریکا و انگلیس در انجام کودتای ۱۳۳۲، کودتا را خواست مردم ایران و روز قیام و جشن ملی ذکر می‌کند.^۴

در کتاب‌های پس از انقلاب، از کاشانی و مصدق به عنوان دو چهره‌ی محبوب و رهبران نیروهای مذهبی و ملی یاد می‌کند و شکست نهضت را به مداخله‌ی انگلستان و آمریکا و اختلاف این دو رهبر نسبت می‌دهد. همچنین از قیام مردم تهران در سی‌ام تیر به عنوان نماد وحدت مردم و رهبران نهضت یاد کرده و ۲۸ مرداد را روز کودتای آمریکایی و نه جشن ملی مردم ایران نام می‌برد. با مقایسه دو روایت متفاوت از واقعه‌ی نهضت ملی شدن نفت، روشن می‌شود که وقایع تاریخی تحت تأثیر نگرش سیاسی و ایدئولوژیکی، انعکاسی متفاوت در کتاب‌های درسی یافته‌اند. چنین شیوه‌ای موجب تحریف تاریخ می‌شود و از آسیب‌های مهم تاریخ‌نگاری است.

در کتاب‌های قبل از انقلاب، روابط خارجی ایران با دیگرکشورها، مورد توجه بوده و از روابط دوستانه و مقتدرانه‌ی پهلوی‌ها با کشورهای اروپایی و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس سخن گفته است. محمدرضاشاه همواره درصدد بود ماهیت وابسته‌ی حکومت خود و پدرش به انگلیس و آمریکا را کتمان نماید. از این‌رو در هیچ بخشی از کتاب بر اهداف استعماری این کشورها به خصوص آمریکا اشاره نمی‌شود و قراردادهای و امتیازات واگذار شده به بیگانگان مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

این روند در کتاب‌های بعد از انقلاب دچار تحول شده است. در این کتاب‌ها، روابط ایران و سایر کشورها چندان مورد بحث قرار نمی‌گیرد. اگر هم به ضرورت از کشوری یاد می‌شود، عمدتاً روسیه، انگلیس و آمریکا هستند که جز اهداف استعماری نیت دیگری در ایران نداشته‌اند. در این کتاب‌ها، واژه‌ی توطئه و استعمارگر، واژه‌هایی آشنا و همیشگی هستند و در پس هر واقعه‌ای، یک هدف شوم استعماری نهفته است و دولتمردان، دست‌نشانده‌های استعمار هستند.^۵ بخش زیادی از

^۱ تاریخ معاصر ایران، (سال سوم متوسطه عمومی علوم تجربی - ریاضی و فیزیک اقتصاد اجتماعی، فرهنگ و ادب)، صص ۱۹۶-۲۱۱.

^۲ تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه)، کلبه‌ی رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، صص ۲۳۳-۲۲۰.

^۳ تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان)، صص ۲۰۳-۲۰۴.

^۴ همان، صص ۱۷۳-۱۷۷.

^۵ تاریخ ایران، (سال سوم)، ص ۲۹.

کتاب‌های بعد از انقلاب، به قراردادهای ۱۹۰۷، ۱۹۱۵، ۱۹۱۹، امتیازات رویتر، تالپوت، لاتاری و واکنش مردم نسبت به آنها اختصاص یافته است.^۱

۲: تأثیر جنگ بر محتوای کتاب درسی تاریخ معاصر ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۸)

با شروع جنگ عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، دفتر تألیف کتب درسی، تحت تأثیر شرایط ایجاد شده در جامعه، وظیفه خود دانست که تغییراتی جدی در کتاب درسی ایجاد نماید و مطالبی به کتاب تاریخ بیفزاید که با شرایط جامعه انطباق داشته باشد. این تغییرات، در کتابی که در سال‌های تحصیلی ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ در دبیرستان‌های ایران تدریس شد، انعکاس یافت. آنچه در این کتاب کاملاً مشهود است، انبوه واژگان با بار معنایی ایدئولوژیکی است که در جای جای کتاب دیده می‌شود. واژگانی چون تهاجم، جهان‌خواران شرق و غرب، استعمار صلیبی، غارتگری، سلطه، استعمارزدایی، تاریخ خونبار، نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری، مذهب مجاهدپرور تشیع، از بسامد بالایی در این کتاب برخوردار است. کتاب با نگاهی سراسر سیاسی نگاشته شده و به نظر می‌رسد، هجوم عراق به ایران، دستاویزی برای مؤلفان بوده است تا ضمن ارائه‌ی تحلیل‌ها و نگرش‌های سیاسی خود، اشاره‌ای نیز به تهاجم کشورهای استعمارگر به ایران در قرن ۱۹ و ۲۰ داشته باشند. مطالب کتاب، به گونه‌ای نگاشته شده که آینه‌ی عبرت مردم در جنگ عراق با ایران شود.

در کتاب تازه‌نگاشته، تاریخ ایران یک‌سره روایت مبارزه‌ی دو جریان است: جریان شر، ظلم و سیاهی و جریان خیر و مظلومیت و روشنایی. به زعم مؤلفان کتاب، جهان دو قطب است، در یک‌سو استعمارگران صلیبی غرب (انگلستان) و شرق (روسیه‌ی تزاری) و به عبارتی کفار قرار دارند که هدفی جز انتقام از مسلمانان، به ویژه شیعیان نداشتند، و در طرف دیگر، مردم مسلمان، محروم و غارتزده‌ی ایران که برای حفظ جان و ناموس، چاره‌ای جز مبارزه و مقاومت در برابر مهاجمان استعمارگر نداشته‌اند. در این کتاب، صلیب نماد غرب و شرق است.^۲

جنگ‌های روس و ایران و شرح دخالت علما در صدور حکم جهاد، مجال خوبی برای مؤلفان کتاب فراهم آورده تا غیرمستقیم به تبیین ماهیت دینی نظام جمهوری اسلامی و نقش مرجعیت در رهبری نظام بپردازند. در جای جای کتاب، به رساله‌های جهادیه‌ی علمای عصر قاجار اشاره و شرح فتاوی آنان درباره‌ی لزوم جنگ دفاعی در برابر روس‌ها را برمی‌شمارد.^۳ عبارات و واژگان به کاررفته در این درس، مانند: ستون پنجم، هسته‌های سازمان‌یافته و ارگانیک، عناصر وطن‌فروش و سرسپرده و نبرد عام و فراگیر چریکی و پارتیزانی، با فضای جنگ‌های روس و ایران هیچ‌سختی ندارد، بلکه به ادبیات جامعه‌ی ایران دهه‌ی شصت نزدیک است.^۴

^۱ ولایتی، علی‌اکبر و دیگران ۱۳۸۶. تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)،

ویراستار محمدرضا سرشار، چاپ دوم، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، صص ۱۲-۱۶، ۳۹، ۵۱، ۵۴.

^۲ تاریخ ایران (سال سوم)، ص ۲۵.

^۳ همان، ص ۲۵.

^۴ همان، ص ۳۰.

محتوای این کتاب، از اهداف یک کتاب درسی، بسیار فاصله دارد. کتاب بیشتر از آنکه بازگوکننده‌ی روایات تاریخی از جنگ‌های روس و ایران، قراردادهای ترکمان‌چای و گلستان و خسارات ناشی از آن بر زندگی توده‌ی مردم باشد، بیانیه‌ای سیاسی و تبلیغاتی درباره‌ی لزوم شرکت در جنگ دفاعی، پافشاری بر جنگ تا پیروزی است.

۳: تأثیر دست به دست شدن قدرت میان احزاب سیاسی بر محتوای کتاب درسی تاریخ معاصر ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۸۸)

در طول سی ساله‌ی که از انقلاب ایران می‌گذرد، اختلاف نظر و دیدگاه‌های سیاسی متفاوت، موجب دسته‌بندی‌ها و ایجاد احزاب و جریان‌های سیاسی خاصی در کشور شد. با روی کار آمدن دولت‌هایی که به هریک از این جریان‌ها وابسته بودند، سیاست دفتر تألیف کتب درسی نیز دستخوش تحول شد و کتاب‌های درسی تاریخ، تحت تأثیر این تغییرات نوشته شدند. در سال‌های ۵۸-۵۷ ریاست دولت موقت بر عهده‌ی مهندس بازرگان بود و در کابینه‌ی وی، ملی‌گرایان و طرفداران جبهه‌ی ملی... حضور داشتند. سیاست دولت موقت توأم با قانون‌مداری، برخورد معتدل با سرکردگان دستگیرشده‌ی رژیم پهلوی بود و با پذیرش اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، مخالف بود. انعکاس چنین نگرشی در کتاب درسی سال ۵۸ و ۵۹ ذیل وقایع ملی شدن نفت، قابل بررسی است. در این کتاب‌ها، نقش مصدق بیش از کاشانی مورد تأکید و توجه قرار گرفته و ملی شدن نفت به تفصیل بیان شده است. در کتاب ۱۳۵۹ آمده: «کاشانی انتظار برخورد قاطع با خیانت‌کاران داشت، اما مصدق معتقد به برخوردی متکی به آزادی‌های قانونی بود، این مسئله موجب اختلاف بود...»

نهضت نفت در کتاب سال ۱۳۸۶ با تفصیل دیگری ذکر شده است. مؤلفان این کتاب برآنند تا اهداف شوم استعمارگران انگلیس و آمریکا را بیش از پیش و با استناد به اسناد، بازگو نمایند. از این‌رو در این کتاب، از طراحی عملیات چکمه توسط انگلیسی‌ها و عملیات آژاکس توسط آمریکایی‌ها سخن گفته و به اقدامات شبکه‌ی جاسوسی بدامن و عملیات تبلیغات خاکستری در تضعیف شخصیت مصدق اشاره می‌کند. این کتاب که در شرایطی که ایران به خاطر راه‌اندازی نیروگاه‌های هسته‌ای تحت فشار بین‌المللی و تحریم قرار دارد نوشته شده و به نظر می‌رسد تعبیر شیوه‌ی نگارش این کتاب، به ویژه در بحث ملی شدن نفت، با این هدف صورت گرفته که نسل جوان کشور، بیش از پیش با اقدامات استعمارگران و نقشه‌های آنها برای رسیدن به منافعی آشنا شوند. در بخش‌های مختلف کوشش شده با ارائه‌ی تحلیل‌های سیاسی درباره‌ی مقاصد شوم استعمار، مخاطبان را متوجه این نکته نماید که آن استعمارگران همچنان در کمین انقلاب ایران هستند.

واقعه‌ی تصرف سفارت آمریکا و استعفای دولت موقت که در نخستین سال‌های انقلاب رخ داد نیز انعکاس متفاوتی در کتاب درسی تاریخ یافته است. در کتاب سال ۷۸، این واقعه به تفصیل بیان می‌شود و یکی از دلایل استعفای دولت مهندس بازرگان را همین ماجرا ذکر کرده و می‌نویسد: «با توجه به اهمیت این اقدام، امام خمینی آن را انقلاب دوم نامیدند. دولت موقت که در برخورد با حوادث و جریان‌ها معتقد به پیشبرد گام به گام امور بود و به اقدامات انقلابی، چندان اعتقاد نداشت، تصرف سفارت آمریکا و بازداشت کارکنان آن را برای کشور، خطرناک می‌دانست. به همین دلیل، دو روز پس از واقعه‌ی ۱۳ آبان، مهندس بازرگان و اعضای کابینه‌ی او استعفا دادند.»^۱

^۱ تاریخ ایران: ایران در دوران معاصر (۲)، سال دوم نظام جدید آموزش متوسطه، صص ۲۳۲-۲۵۳.

^۲ تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)، ص ۱۷۶.

کتاب سال ۸۶، علت تصرف سفارت آمریکا راه نارضایتی و اعتراض شدید گروه‌های سیاسی و انقلابیون به ملاقات محرمانه‌ی مهندس بازرگان با برژینسکی؛ مشاور امنیت ملی کارتر، ذکر می‌کند.^۲ در چاپ‌های بعدی کتاب، این عبارت اصلاح شده و ملاقات بازرگان با برژینسکی، همچنین ورود شاه به آمریکا و نگرانی‌های فزاینده از مداخلات سفارت آمریکا در تهران، موجب تصرف سفارت آمریکا ذکر شده است.^۱

مهم‌ترین تغییرات، در کتاب‌های درسی در سال ۱۳۷۸ رخ داد. در این سال، سیاست دفتر تألیف کتاب‌های درسی، دستخوش تحول شد و بر همین اساس، اقدام به تألیف کتاب درسی جامعی درباره‌ی تاریخ معاصر ایران نمود. مؤلفان این کتاب، با نگاهی جامع کوشیده‌اند، اوضاع ایران را تحلیل نمایند، از این‌رو برخلاف کتاب‌های پیشین، ضمن توجه به اوضاع سیاسی کشور، وضعیت اقتصادی، اداری، جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی ایران را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. کتاب ۱۳۷۸، ذیل عنوان «ایران در تکاپوی اصلاحات»، به بحث اصلاحات و اصلاح‌گران پرداخته و از عباس‌میرزا، امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار به عنوان اصلاح‌گران دوره‌ی قاجار یاد می‌کند. در حالی که در همه‌ی کتاب‌ها، بر نقش منفی و رشوه‌گیری و دلالی چهره‌هایی مانند سپهسالار و ملکم اشاره شده و نقش آنان در اصلاحات و مشروطه کم‌رنگ شده است. در کتاب سال ۱۳۷۸ نقش اصلاح‌گری سپهسالار برجسته‌تر شده و از سپهسالار به عنوان کسی یاد می‌شود که آخرین بخش از اصلاحات دوره‌ی ناصری، با پی‌گیری‌های وی انجام شد. با توجه به دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه‌ی جریان سیاسی که در ایران به قدرت رسیده بود، به نظر می‌رسد مؤلفان کتاب، قصد داشتند اندیشه‌ی اصلاحات و انگشت‌شمار چهره‌های اصلاح‌گر ایران را در ذهن دانش‌آموزان منفی معرفی نکنند، تا دانش‌آموزان بدانند در میان رجال قاجار، افراد علاقه‌مند به اصلاحات هم بوده‌اند.

در واکنش به این کتاب که تنها یک سال در مدارس تدریس شد، کتاب دیگری به طور آزمایشی، در سال ۱۳۸۰ تألیف شد. این کتاب بیشتر با انگیزه‌ی بزرگ‌نمایی نقش علما، به رشته‌ی تحریر درآمده است. در این کتاب به اقدامات اصلاحی امیرکبیر و عباس‌میرزا که به فکر ایجاد نوگرایی در جامعه‌ی ایرانی بودند، اشاره شده و معایب این نوگرایی و اصلاح‌طلبی را چنین برشمرده: «این نگاه نتوانست در ایران نشاط علمی ایجاد کند و رکود و ضعف علمی ایران در بخش‌هایی از جامعه برای دهه‌هایی متمادی باقی ماند.»^۲

در سال ۸۶ کتاب تازه‌ای تألیف شد. محتوای این کتاب تقریباً همانند دیگر کتاب‌های پس از انقلاب بوده و بیشتر به جنبش‌های ضد استعماری ایران، شخصیت‌های برجسته و مبارز به ویژه علمای مبارز، و افشای اسرار بیگانگان در ایران می‌پردازد. این کتاب در شرایطی تألیف شد که موقعیت ایران در منطقه و جهان به دلیل پیوستن به جرگه‌ی کشورهای که فناوری هسته‌ای دارند، دستخوش تحول شده و ایران از جانب قدرت‌های جهانی مورد تحریم اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. تحت تأثیر این شرایط، نگاه غالب کتاب، سیاسی و ضد استعماری است. در جای جای کتاب از اهداف استعماری بیگانگان به ویژه انگلیس و آمریکا در ایران و زد و بندهای سیاسی آنها برای ساقط کردن دولت‌ها، سخن به میان می‌آید؛ به

^۱ - ولایتی، علی اکبر و دیگران ۱۳۸۸. تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه‌ی رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)،

ویراستار محمدرضا سرشار، چاپ چهارم، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ص ۱۷۲

^۲ تاریخ معاصر ایران (سال سوم آموزش متوسطه)، کلیه‌ی رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، ص ۶۰.

گونه‌ای که یک درس کامل به امتیازات واگذار شده به انگلیس، اختصاص یافته، بدون آنکه ذکری از واگذاری امتیازات مشابه به روسیه به میان آید.^۱

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف آسیب‌شناسی تأثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران بعد از انقلاب، به رشته‌ی تحریر درآمد و جهت تبیین بهتر موضوع، با رویکردی تطبیقی، محتوای کتاب‌های قبل و بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که از جمله مهم‌ترین آسیب‌هایی که کتاب‌های درسی تاریخ را تحت تأثیر قرار داده، غلبه‌ی نگاه ایدئولوژیکی و سیاسی بر محتوای کتاب‌ها است. آفت سیاست‌زدگی و غلبه‌ی نگرش ایدئولوژیکی، موجب تحریف تاریخ و انعکاس تاریخ تحریف شده در اذهان مخاطبان می‌شود. غلبه‌ی دیدگاه سیاسی بر کتاب‌های درسی، موجب حذف یا کتمان وقایع به نفع منافع سیاسی و ایدئولوژیکی جریان حاکم شده و بر همان اساس، نقش شخصیت‌ها برجسته، یا کم‌رنگ می‌شود. چنان که با پیروزی انقلاب، بسیاری از مطالب، مانند جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری مردم و علما، که در کتاب‌های پیش از انقلاب جایی نداشت، در کتاب‌های پس از انقلاب، جایگاه ویژه‌ای یافت.

یکی دیگر از آسیب‌های تاریخ‌نگاری، نگارش تاریخ به شیوه‌ی مقاله‌های ژورنالیستی و تبلیغاتی است. کتاب‌های سال‌های نخست انقلاب به ویژه کتاب‌های سال ۵۸ تا ۶۱ تحت تأثیر فضای حماسی انقلاب و جنگ، با ادبیات خاصی نگاشته شدند و واژگانی خاص به کتاب‌ها راه یافتند. در این کتاب‌ها واژگانی چون تهاجم، جهانخواران شرق و غرب، جهانخواران صلیبی، استعمار صلیبی، غارتگری، سلطه، تاریخ خونبار، نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری، مذهب مجاهدپرور تشیع و توطئه، از بسامد بالایی برخوردارند. بیان شعاری و تبلیغاتی و کاربرد واژگانی با بار ایدئولوژیکی، کتاب‌های تاریخ را از اهداف یک کتاب درسی دور کرده است.

آفت دیگری که تاریخ‌نگاری کتاب‌های درسی تاریخ معاصر با آن روبه‌رو است، فقدان نگاه جامع در بررسی وقایع است. برخلاف کتاب‌های پیش از انقلاب که ضمن توجه به اوضاع سیاسی کشور، اوضاع اقتصادی، اداری و اجتماعی ایران را نیز مورد بررسی قرار داده، نگاه غالب در کتاب‌های بعد از انقلاب (به جز کتاب سال ۱۳۷۸)، سیاسی است و مؤلفان، ضرورتی برای بررسی همه‌جانبه‌ی تاریخ ایران ندانسته و تنها به تاریخ سیاسی پرداخته‌اند.

نگاه‌گزینی توأم با نگرش ایدئولوژیکی و بدبینانه به وقایع تاریخی، از دیگر آسیب‌های تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود. این آفت، موجب تحریف تاریخ در جهت حفظ دیدگاه‌های سیاسی و مبانی ارزشی حاکمیت و تحلیل‌های یک‌سویه شده است. این نگاه در کتاب‌های تاریخ قبل و بعد از انقلاب کاملاً مشهود است. در کتاب‌های پیش از انقلاب، ارزش‌هایی چون شاه‌دوستی و جدایی دین از سیاست ترویج می‌شود، و نقش مردم، مبارزان سیاسی و علما نادیده گرفته شده است. در کتاب‌های بعد از انقلاب، نوعی بدبینی و تحقیر به حکومت شاهان بر کتاب‌های درسی حاکم شد، و خیانت‌ها و وطن‌فروشی‌های شاهان و رجال سیاسی را بیش از خدمات و اصلاحات بازگو نمودند. دید سیاسی و گزینشی در کتاب‌های

^۱ تاریخ معاصر ایران، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه‌ی رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)، صص ۱۲-۱۶.

بعد از انقلاب، به خصوص در بحث از دوره‌ی پهلوی، جلوه‌ی بیشتری یافته است، به گونه‌ای که با بررسی تطبیقی دوره‌ی پهلوی در کتاب‌های قبل و بعد از انقلاب، با دو روایت کاملاً متفاوت از تاریخ این دوره روبه‌رو می‌شویم. آسیب مهم دیگر، تحلیل وقایع براساس پیش فرض‌های ذهنی مؤلفان است که به داوری‌های یک‌سویه می‌انجامد. مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران، آن چنان به انعکاس وقایع و چینش مطالب پرداخته و درباره‌ی شخصیت‌های تاریخی قضاوت و پیش‌داوری کرده‌اند که فرصت دیگراندیشی را از مخاطبان (دانش‌آموزان) گرفته‌اند. نکته‌ی مهم و قابل ذکر این است که گرچه ماهیت کتاب‌های درسی بعد از انقلاب دگرگون شد و مطالبی به کتاب‌ها راه یافت که پیش از انقلاب ذکر می‌شد، اما شیوه‌ی تحلیل در کتاب‌های قبل و بعد از انقلاب تفاوت چندانی نمی‌کند. تحلیل‌های هر دو دسته کتاب، جهت تبیین دیدگاه‌های ارزشی حاکمیت است. درحقیقت، کتاب‌های تاریخ، مجال برای حکومت‌ها است که اندیشه‌های خود را به اذهان مخاطبان‌شان منتقل نمایند.

منابع

- باقی، عمادالدین و دیگران ۱۳۷۸. *تاریخ ایران: ایران در دوران معاصر (۲)*، سال دوم نظام جدید آموزش متوسطه، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حداد عادل، غلامعلی و دیگران ۱۳۵۹. *تاریخ ایران (سال سوم)*، بی‌جا: بی‌نا.
- دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی ۱۳۶۰. *تاریخ ایران (سال سوم)*، بی‌جا: بی‌نا.
- دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی ۱۳۶۱. *تاریخ ایران (سال سوم)*، بی‌جا: بی‌نا.
- روشه، گی ۱۳۶۶. *تغییرات اجتماعی، مترجم، منصور وثوقی، تهران: نشرنی.*
- رنجبریان، مهدی ۱۳۸۱. «مقایسه‌ی سه کتاب درسی تاریخ معاصر ایران (دوره‌ی دبیرستان)»، *آموزه، شماره ۱*، صص ۸۹-۱۰۸.
- گروه تاریخ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب گفتاری ۱۳۶۲. *تاریخ معاصر ایران*، (سال سوم متوسطه عمومی علوم تجربی - ریاضی و فیزیک اقتصاد اجتماعی، فرهنگ و ادب)، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های گفتاری ایران.
- عباسی، جواد و دیگران ۱۳۸۳. *تاریخ معاصر ایران (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه‌ی رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)*، چاپ اول آزمایشی، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- مشکور، محمد جواد و دیگران ۲۵۳۷. *تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان)*، بی‌جا: بی‌نا.
- مشکور، محمد جواد و دیگران ۱۳۵۸. *تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان)*، بی‌جا: بی‌نا.
- مشکور، محمد جواد و دیگران ۱۳۵۹. *تاریخ ایران (سال سوم دبیرستان)*، بی‌جا: بی‌نا.
- مقصودی، مجتبی، محمد آرنه ۱۳۸۴. *ارزشیابی نظری کتاب تاریخ معاصر ایران، پایه‌ی سوم دوره‌ی متوسطه چاپ ۱۳۸۳*، بی‌جا: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- نجفی، موسی و دیگران ۱۳۸۰. *تاریخ معاصر ایران (سال سوم آموزش متوسطه)*، کلیه‌ی رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی)، چاپ اول آزمایشی، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ولایتی، علی اکبر و دیگران ۱۳۸۶. *تاریخ معاصر ایران*، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه‌ی رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)، ویراستار محمدرضا سرشار، چاپ دوم، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ولایتی، علی اکبر و دیگران ۱۳۸۸. *تاریخ معاصر ایران*، (سال سوم آموزش متوسطه، کلیه‌ی رشته‌ها به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - علم و معارف اسلامی)، ویراستار محمدرضا سرشار، چاپ چهارم، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.